

## صلاحیت مرجع صالح نسبت به مسئله بورسیه‌های وزارت علوم

محمد حسنونند\*

زهره دانش‌ناری\*\*

نفیسه فتحعلی\*\*\*

### سابقه موضوع

پرونده‌های مربوط به بورسیه‌های وزارت علوم در مورد اختصاص سهمیه هیئت علمی، یکی از پرونده‌های مهمی است که در چند سال اخیر بحث آن به شدت رونق یافته و در محافل حقوقی در خصوص آن نظرات مختلفی بیان شده است. در این میان تعداد ۳۰۰ نفر در زمان دولت دهم به عنوان بورسیه در مقطع دکتری پذیرفته شدند. اما شرایطی مانند مدرک زبان و شرکت در امتحان دکتری را دارا نبودند. نظرات مطرح شده در دو طیف متفاوت قرار دارند. شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقد است در موضوع متنازع‌فیه صلاحیت رسیدگی دارد. عده‌ای قائل به صلاحیت دیوان عدالت اداری در این مورد هستند و صلاحیت عام دیوان را می‌پذیرند. در مقابل، گروهی دیگر مخالف صلاحیت دیوان در ورود به پرونده بورسیه‌ها هستند و با تخصصی و فنی دانستن احراز شرایط علمی اشخاص، معتقدند دیوان اساساً از چنین اختیاری برخوردار نیست و ورود دیوان در پرونده‌های بورسیه را نوعی خروج از صلاحیت می‌دانند. در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و بر اساس ماده ۶۴ قانون موصوف، شأن تشخیصی برای شعب دیوان پیش‌بینی شده است و بر این اساس شعب دیوان خود را صالح به رسیدگی می‌دانند.

---

\* دکتری تخصصی حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، قاضی دیوان عدالت اداری

md.hasanvand@gmail.com

z.danesh22@ut.ac.ir

\*\* دکتری تخصصی حقوق عمومی

Nafise.fathali@gmail.com

\*\*\* کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران (پردیس قم)

## مشخصات رأی

**خوانندگان:** دانشگاه یاسوج

**خواسته:** الزام به صدور حکم استخدامی پیمانی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه  
**مرجع رسیدگی کننده:** شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری

**خوانندگان:** سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**خواسته:** صدور حکم به ابطال تصمیمات مندرج در مصوبه اعلامی - ابلاغی در قالب  
اطلاعیه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲ و جاری شدن کلیه آثار پذیرش در بورس اعم از هزینه  
تحصیل، فرصت مطالعاتی و مقرری  
**مرجع رسیدگی:** شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری

**خوانندگان:** دانشگاه علامه طباطبایی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**خواسته:** اعاده به کار بورسیه تحصیلی و صدور حکم استخدام هیئت علمی  
**مرجع رسیدگی:** شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری

**خوانندگان:** دانشگاه تهران

**خواسته:** ۱. الزام به صدور حکم استخدامی پیمانی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه  
و شروع به کار از تاریخ فارغ التحصیلی. ۲. الزام به بررسی و محاسبه تعهدات حقوق و  
مزایای معوقه از آن تاریخ.  
**مرجع رسیدگی:** شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری

## مقدمه

کنترل اعمال و تصمیمات اداری ممکن است به وسیله خود دستگاه اداری (قوه مجریه)، یا قوه مقننه و یا قوه قضائیه به عمل آید. کنترل اداری و پارلمانی در عین این که دارای اهمیت فراوانی است ولی به تجربه ثابت شده است که این نوع نظارت‌ها بیشتر برای ارزیابی درجه پیشرفت هدف‌ها و برنامه‌ها سودمندند تا جوابگویی به دعاوی

و شکایات افراد از دستگاه اداری که به عنوان حق مسلم قانونی برای افراد شناخته شده است. مسلماً در اصلاحات اداری اصول و روش‌های نظارت اداری و پارلمانی را به گونه‌ای که به موقع و بی‌طرفانه و موثر باشد، نمی‌توان از نظر دور داشت. اما نظارت قوه قضائیه با ضمانت اجرا کارایی بیشتری دارد (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸: ۴۸۷).

یکی از اصول مهم حاکمیت قانون در حقوق اداری، اصل نظارت یا کنترل قضایی است که به وسیله آن حقوق افراد تضمین شده و در نهایت قوای سه‌گانه در چارچوب قانون قرار گرفته و بر آن‌ها نظمی حاکم می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت نظارت قضایی به معنای کنترل مصوبات قوه مقننه و اعمال و مصوبات قوه مجریه به وسیله دادگاه‌ها است (صدرالحافظی، ۱۳۷۲: ۱۵).

اگرچه نظارت قضایی دیوان عدالت اداری به عنوان یک اصل اساسی مورد پذیرش قرار گرفته است اما در برخی موارد استثنائاتی بر این اصل وارد گردیده است. با این وجود، در عمده نظام‌های حقوقی، اعمال دولتی مصون از نظارت قضایی وجود دارد که می‌تواند ریشه در اصل تخصص (خروج موضوعی) و یا اصل تخصیص (استثناها) داشته باشد. به دیگر سخن، مصونیت از نظارت قضایی ممکن است به دلیل ماهیت نظارت‌ناپذیر برخی اعمال دولت باشد یا این که قانون‌گذار بنا به دلایلی برخی اعمال دولت را مشمول نظارت قضایی نداند. همچنین، در برخی نظام‌های حقوقی مانند نظام کامن‌لا، برخی از اختیارات ویژه بنا به دلایل تاریخی، تا حدودی نظارت‌گریز هستند. در نظام حقوقی ایران، صرف‌نظر از این‌که برخی اعمال عمومی دولت نظیر تقنین، سیاست‌گذاری و قضاوت ماهیتاً از شمول نظارت قضایی خروج موضوعی دارند، برخی صلاحیت‌های حکومتی و اعمال سیاسی مختص قوه مجریه نیز که ریشه در قانون اساسی دارند از نظارت قضایی مصون هستند (شفیعی سردشت و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

شواری عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه شماره ۶۳۰ مصوب سال ۱۳۸۷ تصمیمات و آرای نهایی و قطعی صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب از جمله تصمیمات و آرای نهایی در خصوص بازنشستگی، ارتقا، ارزیابی و پذیرش علمی و بورس دانشجویان را که صرفاً در امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی صادر

شده قابل شکایت در دیوان عدالت اداری ندانسته است که همین امر سبب ابهامات و تعارضاتی در خصوص پرونده‌های بورسیه شده است. دیوان عدالت اداری معتقد به صلاحیت عام خود در رسیدگی به تصمیمات مورد نظر می‌باشد و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با توجه به شأن و جایگاهی که برای خود قائل است، تصمیمات مورد نظر را غیرقابل نظارت قضایی می‌داند.

### ۱. صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به تصمیمات هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی.

مبنای تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمان امام خمینی (ره) در ۱۹ آذر ۱۳۶۳ است و در خصوص وظایف و اختیارات شورای مزبور صرفاً می‌توان به مصوبه شماره ۴۰۹ جلسه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورا با عنوان «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» مراجعه نمود. مصوبات شورا نه به تأیید مقام رهبری می‌رسد که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را نداشته باشد و نه هیچ مرجعی بر این مصوبات نظارت قانونی، اساسی و شرعی دارد. دیوان عدالت اداری نیز پیش از تصویب قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۲ در آرای متعددی از جمله رأی شماره ۲۹۷، ۲۹۸ و ۲۹۹ رسیدگی به اعتراضات نسبت به احکام هیئت مرکزی گزینش دانشجو و نیز کمیته مرکزی انضباطی دانشجویان را به این دلیل ابطال نمود که اطلاق وصف قانون و یا تعمیم مطلق وجوه ممیزه آن به مقررات موضوعه سایر واحدهای دولتی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را فاقد مبنای حقوقی و جاهت قانونی می‌دانست. در نهایت، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۳۰ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۲ معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه و دیوان عدالت اداری، ماده واحده «خروج تصمیمات و آرای صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزش و پژوهشی در امور و شئون علمی، آموزش و پژوهشی از شمول

صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی» را تصویب نمود. بر این اساس آن دسته از تصمیمات و آرای نهایی و قطعی صادره در هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم و بهداشت از جمله ارتقاء، ارزیابی و پذیرش علمی، بورس دانشجویان و فرصت مطالعاتی که صرفاً در رابطه با امور و شئون تخصصی، علمی، آموزشی و پژوهشی صادر می‌گردد قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نخواهد بود.

## ۲. قائلین به صلاحیت عام دیوان عدالت اداری از منظر نوع دعوی

### ۱.۲. اصل ۱۷۳ قانون اساسی دیوان عدالت اداری و صلاحیت گسترده

#### دیوان

گروه اول کسانی هستند که با استناد به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قائل به صلاحیت عام دیوان عدالت اداری می‌باشند. در این جا این سوال به ذهن خطور می‌کند که آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به کلیه شکایات و اعتراضات علیه دولت و واحدهای دولتی را دارد یا خیر؟ یا این که اساساً برخی از این دعاوی به لحاظ نوع و موضوع از صلاحیت دیوان خارج هستند؟ در این خصوص گروهی بیان می‌کنند که دیوان در رسیدگی به کلیه دعاوی و شکایات علیه واحدهای دولتی و مأموران آن‌ها صلاحیت عام و مطلق دارد. طرفداران این نظریه معتقدند هدف تدوین‌کنندگان قانون اساسی از تأسیس دیوان، ایجاد یک مرجع اختصاصی اداری نبوده بلکه دیوان را شعبه‌ای از تشکیلات دادگستری می‌دانستند که مرجع رسیدگی به کلیه شکایات علیه دولت باشد. از طرف دیگر با کنار هم گذاشتن اصول ۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی درمی‌یابیم که الفاظ شکایات و تظلمات در هر دو اصل به کار رفته که این خود گویای تشابه نوع دعوی موضوع صلاحیت محاکم دادگستری و دیوان عدالت اداری است (صمیمی و عباسی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

### ۲.۲. حق دسترسی به دادگستری در دیوان عدالت اداری

از مهم‌ترین تضمینات امنیت فردی و تأمین حقوق و آزادی‌های بنیادین، وجود دستگاه قضایی کارآمدی است که با احقاق حقوق دادخواهان، عدالت را گسترش دهد. حق دادخواهی، عنوان جامعی است که می‌تواند شامل حق دسترسی افراد به

مراجع قضایی یا در صورت لزوم مراجع اداری و صنفی به منظور دادخواهی در خصوص نقض حقا و آزادی‌هایشان باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

اعمال و اجرای حق دادخواهی مستلزم دسترسی به دادگستری یا وجود نظام دادرسی است. اصل ۳۴ قانون اساسی به حق دسترسی به دادگستری اختصاص داشته و مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

بنابراین، اولاً تظلم و دادخواهی حق مسلم همه افراد است و ایجاد دستگاه قضایی صالح برای تعیین امنیت شهروندان تکلیف جامعه و دولت است. ثانیاً این حق مطلق است بدین معنا که نمی‌توان مانع استفاده احدی از آن شد. ثالثاً چه بسا ممکن است افراد قصد تظلم‌خواهی علیه مقامات دستگاه‌های دولتی و قضایی را داشته باشند. نظام جمهوری اسلامی ایران موظف است امکانات قضایی لازم را بدون هیچ‌گونه تضعیف و اعمال قدرتی در اختیار آنان قرار دهد تا افراد جامعه از ظلم و فساد دستگاه‌های عمومی مصون بمانند (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۷).

برای تحقق کامل حق بر دسترسی به دادگستری، شکل مطلوب صلاحیت دیوان (مانند فرانسه و آلمان) این است که همه دعاوی ایجاد شده در روابط مقامات و نهادهای عمومی و شهروندان در مراجع و دادگاه‌های اداری قابل رسیدگی باشد تا مرجع واحد صالح به رسیدگی شده و شهروندان با دوگانگی و تعارض و سردرگمی مواجه نشوند. در وضعیت مطلوب تضمینات (اعمال اداری یک جانبه) و اعمال اداری دوجانبه، اقدامات و نیز ترک تصمیم و اقدام مقام و نهادهای عمومی، قابل رسیدگی در مراجع و دادگاه‌های اداری باید باشد (همتی، ۱۳۹۵: ۲۴۸).

قدر متیقن آن است که درباره صلاحیت دیوان در خصوص رسیدگی به این گونه پرونده‌ها تردید شود در این صورت نیز بنا بر اصول مسلم حقوقی در موارد شک و تردید اصل بر صلاحیت رسیدگی توسط دیوان عدالت اداری بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. بدیهی است با توجه به صلاحیت عام نظام قضایی در صورت تردید نمی‌توان رسیدگی به ادعای تضییع حقوق شهروندان را بی‌پاسخ و مهممل

گذاشت و لذا عدم رسیدگی دیوان تخطی از وظیفه قانونی محوله است. در واقع به نظر می‌رسد امتناع دیوان از احقاق حق به دستاویز مصوبه‌ای که شورای عالی تصویب کرده فرار از حق‌گذاری و امتناع از تکالیف قانونی محسوب می‌شود و موجب مسئولیت است. همچنین مطابق اصول آیین دادرسی و به لحاظ شکلی دیوان همانند همه راجع قضایی حق ندارد دادخواست شاکیان را دریافت و از رسیدگی خودداری کند بلکه در صورت ایراد دادخواست یا عدم صلاحیت مکلف است قرار رد دادخواست یا عدم صلاحیت خود را صادر نماید (اسکویی، ۱۳۹۵: ۶۳۳).

### ۳. قائلین به عدم صلاحیت دیوان در موضوعات فنی و تخصصی

#### ۱.۳. صلاحیت تشخیصی دانشگاه در مورد داوطلبان هیئت علمی

درگام اول مناسب است تا با مفهوم صلاحیت آشنا شویم. در حقوق اداری گفته می‌شود، صلاحیت شایستگی و اجازه قانونی است که از طرف قانون به مقام اداری برای بهتر اداره کردن داده می‌شود و در واقع صلاحیت تعیین‌کننده حوزه اقدام و فعالیت اداره است. صلاحیت اداری، وضعیت حقوقی مشخصی است که برای مقام یا مرجع اداری تعریف می‌شود و به فرد یا شخص ویژه‌ای نیز ارتباط نمی‌یابد.

صلاحیت‌های تشخیصی در حقوق اداری در برابر صلاحیت‌های تکلیفی قرار دارند و منظور از آن این است که قانون، مقام اداری را در انتخاب روش‌های تصمیم‌گیری آزاد گذارده به گونه‌ای که اصطلاحاً مقام اداری «حاشیه‌های ارزیابی یا قدرت مانور» دارد. در حقیقت، صلاحیت تشخیصی آزادی انتخاب و گزینش مقام اداری است. باید توجه داشت که هر اختیار اداری یا تشخیصی برای اجرای هدفی به دستگاه‌های اجرایی داده شده است. انحراف از این اهداف می‌تواند مبنای دعوای سوءاستفاده از اختیار تشخیصی را فراهم نماید (مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

موافقان این نظر معتقدند با توجه به این که تشخیص موضوع امری تخصصی و فنی است الزاماً قابلیت اعمال نظارت قضایی را ندارد و مقام قضایی در این چارچوب فاقد یک معیار و خط کش برای اعمال نظارت قضایی است لذا امعان نظر قضایی در این خصوص وجود ندارد.<sup>۱</sup>

---

۱. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۲۳۴ مورخ ۸۴/۵/۳۰ تصمیمات صادره از

## ۲.۳. تخصصی بودن موضوعات آموزشی و پژوهشی

علاوه بر تصمیمات کمیته‌های مستقر در وزارت علوم موارد دیگری از کمیته‌ها نیز وجود دارد که رسیدگی به تصمیمات آن‌ها در صلاحیت دیوان نیست. از جمله هیئت‌های انتظامی پزشکی به موجب رأی شماره ۶۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نظر به این که مراجع انتظامی مقرر در قانون نظام پزشکی خارج از مصادیق بند دو ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد لذا در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیستند. به موجب ماده ۳۵ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ هیئت‌های بدوی انتظامی مشتمل از ۱۳ نفر هستند که مسئولیت رسیدگی به تخلفات صنفی شاغلین حرف پزشکی و وابسته پزشکی را دارند. به دلیل ترکیب اعضای هیئت‌های مزبور که عمدتاً اشخاص حقیقی هستند و نیز تخصصی و فنی بودن ماهیت کار آن‌ها مستثنی ساختن تصمیمات این هیئت‌ها از نظارت قضایی دیوان منطقی به نظر می‌رسد (شفیعی سردشت و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

## ۴. فروض قابل طرح در کنترل قضایی

باید گفت چهار فرض در ارزیابی اعمال اداری مبتنی بر صلاحیت‌های اختیاری قابل تصور است:

اول - عدم کنترل فرآیندها و محتوای تشخیصی به استناد اختیاری بودن صلاحیت

دوم - کنترل فرایندها بدون ورود به محتوای تشخیصی (کنترل قانونیت)  
سوم - کنترل محتوای تشخیصی از طریق قرائن و شواهد بیرونی (نوعی اعمال اصل معقول بودن)

چهارم - کنترل محتوای تشخیصی عمل اداری (کنترل حسن تصمیم)  
در رویه دیوان عدالت اداری نمونه‌هایی از هر سه فرض اول شاهد بوده‌ایم که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. در موردی از آرای دیوان مشاهده می‌شود که



قاضی در برخی موارد به واسطه اختیار قانونی از ارزیابی فرآیندها نیز خودداری نموده‌اند. برای نمونه می‌توان به رأی صادره یکی از شعب دیوان عدالت اداری در خصوص دعوی به خواسته الزام اداره به موافقت با بازنشستگی پیش از موعد اشاره کرد که نشان از عدم موافقت قاضی نسبت به صلاحیت خود در کنترل فرآیندها و معیارهای ناظر بر اعمال صلاحیت اختیاری دارد. در این رأی، قاضی با این استدلال که «صلاحیت دستگاه اجرایی در موافقت یا مخالفت با بازنشستگی» جنبه اختیاری دارد شکایت خواهان را وارد ندانسته است.

در مقابل در رأیی دیگر صادره از یکی از شعب دیوان که نمونه‌ای متناظر از دعوای پیشین است، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران به استناد اختیاری بودن صلاحیتش در موافقت با بازنشستگی پیش از موعد از بازنشسته نمودن خواهان خودداری نموده‌است که در پی طرح دعوی در دیوان قاضی حکم به الزام اداره فوق الذکر به صدور حکم بازنشستگی نموده است.

آنچه قابل برداشت است این که قاضی اداری در ایران به لحاظ فقر نظری تفکیک روشنی از آنچه در حوزه فرآیندها موردنظر است و آنچه مربوط به حوزه ماهیت تصمیم اتخاذی است ندارد و از همین رو رویه یکسانی را در کنترل صلاحیت‌های اختیاری اتخاذ نموده است (واعظی، ۱۳۹۴: ۳۲۱).

## نتیجه

اگرچه صلاحیت‌های تشخیصی از زمره اقتدارات و اختیارات دستگاه‌های دولتی است و به دلیل کثرت و حجم فعالیت نهادهای دولتی امروزه صلاحیت تشخیصی مبنای عمده تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری این مراجع است اما این امر به معنای قدرت بی حد و مرز و مصونیت از نظارت نیست. در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار و در ماده ۶۴ در خصوص نظارت بر صلاحیت تشخیصی تصمیم‌گیری شده است و بر اساس ماده ۶۴ قانون فوق‌الذکر، در صورت شکایت از صلاحیت‌های تشخیصی کمیسیون‌ها و هیئت‌ها، شعب دیوان از سه جنبه رعایت ضوابط قانونی، تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه مکلف به رسیدگی است. بنابراین، دلیلی بر عدم نظارت

دیوان عدالت اداری بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد. از سوی دیگر اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای جایگاه قانونی است لیکن حدود صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه‌های آموزشی، علمی، پژوهشی و ... بوده و به استناد یک مصوبه (مصوبه شماره ۶۳۰) حق دخالت در شئون و وظایف قوه قضائیه و تحدید صلاحیت دیوان عدالت اداری را ندارد. بنابراین، صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت بر صلاحیت‌های تشخیصی از جمله صلاحیت‌های مقرر برای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس ماده ۶۴ قانون فعلی دیوان، امری محرز و مسلم است.

## منابع

- شفیعی سردشت، جعفر، گرجی ازندیانی، علی اکبر، قانعی، علی (۱۳۹۵)، **اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی در نظام حقوقی ایران**، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۰، شماره ۹۶.
- واعظی، سید مجتبی، بردبار، مارال (۱۳۹۴)، **گستره کنترل قضایی صلاحیت اختیاری در ایران با نگاهی به انگلستان**، فصلنامه حقوق اداری، سال ۲، شماره ۸.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین**، چاپ ۲۴، تهران: نشر میزان.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، **حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- صدرالحفاظی، سیدنصراله (۱۳۹۵)، **نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری**، تهران: نشر شهریار.
- مشهدی، علی (۱۳۹۵)، **تأملی بر نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت‌های تشخیصی در پرتوی ماده ۶۴ قانون دیوان**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۴.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۵)، **حق دسترسی به دادگستری در دیوان عدالت اداری با نگاهی به نظرات شورای نگهبان**، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۱۶.
- بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۵)، **تحدید قلمروی صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی**، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴، شماره ۴.
- صمیمی، محمدمهدی، عباسی، عباداله (۱۳۹۶)، **تحلیل گستره صلاحیت دیوان عدالت اداری و تغییرات مربوط در پرتوی قانون مصوب ۱۳۹۲**، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۱۴.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۸)، **حقوق اداری**، چاپ ۲۰، تهران: انتشارات سمت.